راه هاي نفوذ شيطان بر صالحان

تأليف:

عبد الله خاطر

# فهرست مطالب

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
|  | موضوع | ص |
|  | مقدمه |  |
|  | حقيقت شيطان |  |
|  | روشهاي به كار گیری شیطان در گمراه کردن انسان |  |
|  | راه هاي نفوذ شيطان در انسان |  |
|  | عواملي كه شيطان را در اداى وظيفه خود مساعدت و يارىمى نمايد. |  |
|  | راه هاى چاره وعلاج |  |

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

الحمدلله رب العالمين والعاقبه للمتقين وصلى الله على سيدنا محمّد وعلى آله وصحبه ومن اهتدى بهديه الى يوم الدين

از جمله مصيبتهايي كه امت اسلامي درعصرحاضر به‌آن مبتلا شده است گرايش فكري بعضي از فرزندان اين امت مي باشد، كساني كه به اصطلاح پرچمهاي روشنگري وروشنفكري را بر دوش داشته وحمل مي كنند، وبعضي از آنان اين نوع گرايش فكري را به دين نسبت مي‌دهند، وتمامي سعي وتلاش آنان بر اين است كه ميان دين اسلام وشرايط واحوال وقوانين مختلف ناشي از تراوشهاي فكري فرهنگ معاصر وجديد اروپايي درميدان انديشه وفلسفه وهمچنين در ميدان علوم وتجربه هماهنگي وسازگاري ايجاد كنند. وشاخص اصلي ومهم در مسير اين تلاش وكوشش، تغيير وتحول روشنگريهاي عقلي اسلامي بر حسب ظن وگمان وفهم و برداشت آنان است. ودراين راستا به معاني ومفاهيم زيادي در رابطه با اسلام، آنچه را كه دركتاب الله (قرآن) وسنت رسول اكرمص ثابت شده است، استناد كرده اند وبدين ترتيب آن را بصورتي نادرست وناشايست تأويل كرده ويكسري معاني عقلاني به آن اضافه كرده اند تا فرهنگ جديد اروپايي آن را هضم و قبول كند وبا آن هماهنگ وسازگار باشد. وبا وجود اشتباه اساسي در اين روش، يعني انحراف شرعي وخارج شدن از راه وروش اهل سنت وجماعت در ارتباط با قرآن وسنت صحيح رسول اكرمص جز اين نيست كه مي‌گوييم: درحقيقت بكارگيري اين روش جديد، به اسلام واظهارات ودلايل قاطع وبلند آن ضربه زده است وبا توجه به روش وگرايش فكري جديد آنطور كه آنان مي‌پنداشتند، هيچگونه فائده وسودي حاصل نشد جز اينكه موجب جدايي ميان درك وفهم اسلامي وادراكات آگاهي‌هاي صحيح دين اسلام شده است. درصورتيكه درك وفهم اروپايي به اندازه اي جزئي ازموضوعات وحي الهي ومسير اسلام نزديك شده است. بحث در موردشيطان در قرآن كريم يكي از موارد اجرايي دراين روش تفسيري منحرف مي باشد، تا حدي كه بعضي از اين به اصطلاح روشنفكران، غيرمستقيم وجود شيطان را براحتي انكار كردوآن رابه عنوان نمادي از نيروهاي شردروني وبعضي ديگر آن را به وسوسه‌هاي نفس تعبير وتوصيف كرده اند، وساير افكار جديد وتاويلات عجيب وشگفتي كه هيچگونه ارتباطي با بحث مورد نظر، (بحث شيطان) وآگاهيهاي موجود در كتاب الله (قرآن ) واصول وبديهيات ديني ندارند. يكي از نتايج وپيامدهايي كه اين نوع تفسير منحرف در اين رابطه با موضوع شيطان بدنبال داشته است، اهميت وتوجه بعضي از مسلمانان را نسبت به مساله شيطان كم كرده است، ومعناي بعضي از آيات زيباي قرآن مانند فرموده خداوند تبارك وتعالي:

ﮋ ﭯ ﭰ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴﭵ ﮊ فاطر: ٦

] بيگمان شيطان دشمن شماست، پس شما هم او را دشمن بدانيد(واز مكر وكيد او يك لحظه غافل نشويد و از وسوسه هاي او پيروي نكنيد) [را درهم و برهم، ناخوش ونامعلوم بدون معني گردانيده است، واز همه مهمترآن را بعنوان موجودي عيني؛ عملي و واقعي كه هميشه سر راه انسان مسلم قرار داردوباعث بوجود آمدن خطرات، اعمال نادرست وكارهاي حرام مي شود ويا مسلمان را به انجام دادن آنها تحريك وتشويق مي كند، رد كرده وقبول ندارد. درحاليكه اگر انسان مسلمان احساس كندكه واقعاً موجودي به نام شيطان وجود دارد، هميشه ودر هر حال به عنوان محرك وانگيزه، براي مقابله وايستادگي دربرابر فتنه ها وسوسه ها، اميال وشهوات وراههاي باطل ونادرست، معني ومفهوم كشمكش وزد وخورد با او را درخود، ايجاد خواهد كرد. اما زمانيكه اين احساس در درون انسان مسلمان نباشد، مفهوم كشمكش وزد وخورد ومقابله با شيطان در درون او از بين رفته وپايداري ومقاومت او در برابرفكر ونيرنگهاي شيطاني يا ازبين مي رود ويا ضعيف مي شود.

اين كتاب علاوه بر اينكه راهي آسان، مقبول، مختصر، براي تصحيح واصلاح روش منحرف بوجودآمده از طرف بعضي از روشنفكران اسلامي است، رسالت اصلي خود را نيز نويسنده آن رحمه الله عليه وخداوند به او پاداش وخير عنايت فرمايد كه همان تنبيه وآگاهي مسلمانان از راههاي نفوذ شيطان به درون انسانها، وهمچنين تنوع گونه هاي مختلف اين راهها با توجه به طبيعت ذاتي هر شخصي، مقدار قوت وضعف ايمان، مقدار علم وآگاهي او اخلاص وصداقت در عبادت وحالتها ووضعيتهاي ديگر مي‌باشد، دنبال كرده است در حقيقت مولف اين كتاب-رحمه الله تعالي- در ارتباط با كشف اين راهها واسرار ورموز آنها وطرح بعضي از راههاي علاج، چاره جويي ومقابله در برابرنفوذ شيطان با زباني آسان، راحت، قابل فهم، موفق بوده است، به اين اميد كه براي همگي نفع داشته ونفسهاي مومنان را پاك گرداند.

«والله الهادي والموفق وهوحسبنا ونعم الوكيل»

جمال سلطان

حقيقت شيطان

حقيقت وماهيت شيطان يك مساله اساسي ومهم در ارتباط با عقيده فرد مسلمان مي باشد…. كه شيطان چيست؟!

آيا شيطان موجودي حقيقي است؟آيا معنوي؟ يا همانطور كه بعضي ها گمان مي كنند شيطان همان افكار بد و وسوسه هاي دروني است؟! يا شيطان همان ميكروبها هستندآنگونه كه بعضي ها معتقدند؟! يا به عبارت ديگر شيطان نمادي از شر وبدي است، كه به اسم شيطان ازآن صحبت مي كنيم ؟!وعقيده اهل سنت وجماعت در اين رابطه چيست؟ بنابرعقيده ما (عقيده اهل سنت وجماعت) شيطان از طائفه جنّي ها است همانطور كه خداوند تبارك وتعالي مي فرمايد:

ﮋ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪﮫ ﮊ الكهف: ٥٠](اي پيغمبر آغاز آفرينش مردم را بر ايشان بيان كن)آنگاه را كه ما به فرشتگان گفتيم:براي آدم سجده كنيد(بخاطر اكرام واحترام، نه عبادت وپرستش)همگي سجده بردند به جز ابليس كه از جنيان بود واز فرمان پروردگارش سرپيچي كرد…. [

وما به وجود جن ايمان داريم، ومي دانيم كه شيطان، از طائفه جني ها است، واو همراه تمام انسانها است، و با هر انساني، شيطاني قرين است، ودليل اين گفته، فرموده رسول اكرم صاست كه در حديثي كه مسلم از بن مسعود روايت مي كند به آن اشاره كرده ومي فرمايد:

«ما منكم من احد الا وقد وكل قرينه من الجن وقرينه من الملائكه …. »قالوا: واياك يا رسول الله؟ قال: «واياي، ولكن الله اعانني عليه، فلا يامرني الا بحقّ»[[1]](#footnote-1)1

(هيچكدام از شما نيست مگراينكه همراهي از جني ها وهمراهي از ملائكه با او قرين شده است…. وگفتند:شما هم يارسول الله؟

رسول اللهص فرمودند:حتي من هم، ولي خداوند من را بر اوغالب كرده است، وفقط به حق امر مي‌كند. (نمي تواند مرا به كارهاي نادرست امر كند).

لذا همراه هر انساني همدم، همنشيني از جن است حتي همراه رسول اللهص، با اين تفاوت كه خداوند رسول اللهص را بر او غالب ومسلط گردانيده است واو را جز به حق ودرست امر نمي كند.

خداوند مي فرمايد:

ﮋ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃ ﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮉ ﮊ ﮋ ﮌ ﮍ ﮎ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮔ ﮕ ﮖ ﮗ ﮘ ﮙ ﮊ الناس: ١ - ٦] بگو: پناه مي برم به پروردگار مردمان –1-به مالك وحاكم(واقعي)مردمان-2- به معبود(به حق)مردمان –3-از شر ووسوسه گري كه واپس مي رود(اگر براي چيره شدن بر او، از خداكمك بخواهي وخويشتن را در پناهش داري –4- وسوسه گري است كه در سينه هاي مردمان به وسوسه مي پردازد(و ايشان را به سوي زشتي وگناه وترك خوبيها وواجبات مي خواند)-6-(در سينه هاي مردماني)از جنيها وانسانها[

با توجه به آيات فوق، وسوسه يا از جانب انسانهاي بدكار است ويا از جانب جني ها است، پس شيطان جني هم باعث وسوسه انسان مي شود. شيطان صاحب فرزند بوده وپي در پي افزايش پيدا مي كند.

ﮋ ﮬ ﮭ ﮮ ﮊ الكهف: ٥٠] آيا او وفرزندانش را، به جاي من سرپرست ومددكار خود مي گيريد؟![

فرزندان شيطان وكساني كه از او تبعيت مي كند، همواره در تلاش هستند تا نسل بشري را در اين دنيا گمراه ومنحرف سازند.

روشهاي به كار گیری شیطان در گمراه کردن انسان

معمولا شيطان يا از لحاظ اعتقادي ويا از لحاظ عملكردانساني، راههاي زيادي را براي نفوذ كردن در انسان اتخاذ مي كند. ابن قيم الجوزي-رحمه الله تعالي-در ارتباط با قضيه نفوذ كردن شيطان از لحاظ اعتقادي شش مرحله را ذكر كرده است، كه عبارتند از:

مرحله اول: به شيطان سعي مي كندكه انسان را وادار به كفر يا شرك كند، دراين حالت اگر شخص مورد نظر مسلمان باشد، كار او را به مرحله مي كشاند.

مرحله دوم : مرحله بدعت است، كه شخص مورد نظر بدعت ايجاد مي كنديعني آنچه را خداوندبه آن دستور نداده يا رسول اللهص به آن امر نكرده است، وارد دين كرده وبه آن عمل مي كند، در اين حالت اگر شخص مورد نظر از زمره اهل سنت وجماعت باشد وارد مرحله سوم خواهد شد.

مرحله سوم: مرحله ارتكاب گناهان كبيره است، واگر خداوند-تبارك وتعالي- انسان را از مرتكب شدن به اين اعمال زشت محفوظ دارد، شيطان در اين مرحله بازنااميد نيست از اينكه انسان را فريب دهد.

مرحله چهارم: مرحله گناه صغيره ومرتكب شدن به آنها است اگر انسان در اين مرحله از ارتكاب به آنها محفوظ شود، مجددا شيطان او را به كارهاي شيطاني ديگر، مشغول مي دارد.

مرحله پنجم: شيطان، انسان را به انجام اعمال مباح مشغول مي دارد، بدين ترتيب كه انسان خود را مشغول وسرگرم مي كندووقت خود را صرف كارهاي مباح مي‌كند، وبه امور مهمتري كه به آن دستور داده شده، نمي پردازد.

مرحله ششم: دراين مرحله شيطان، انسان را به كاري مشغول مي دارد و او را از انجام عملي كه نسبت به آن كار افضل تر وبرتر است، باز مي دارد، مثلاً به جاي فرض به انجام سنت مي پردازد، ويا آنقدر خود را به انجام عمل سنت مشغول وسرگرم مي كند كه فرض را ترك مي‌نمايد!!

پس شيطان نسبت به انجام افكار بد خود حريص وجدي است اما در عمل كردن به برنامه هاي خود، قدم به قدم انسان را وادار به انجام آن مي كند، همانطور كه خداوند-سبحانه وتعالي-مي فرمايد:

ﮋ ﯢ ﯣ ﯤ ﯥﯦ ﯧ ﯨ ﯩ ﯪ ﯫ ﯬ ﯭ ﯮﯯ ﯰ ﯱ ﯲ ﯳ ﯴ ﮊ الأنعام: ١٤٢] (اين خداست كه براي شما) از چهارپايان(يعني :شتر، گاو وگوسفند وبز)حيواناتي(را آفريده است كه بزرگ و) باربرند، وحيواناتي(راآفريده است)كه كوچكند (واز پشم وموي آنها فرشها وگستردنيها تهيه مي كنيد، اينها روزي خداوند براي شمايند) از آنچه خدا نصيب شما كرده است(وبراي شما حلال نموده است) بخوريد و از راههاي شيطان پيروي نكنيد، بيگمان شيطان دشمن آشكار شماست[

شيطان در مراحل اوليه نفوذ، هر دفعه از انسان چيزي يا كاري مي خواهد وبه همين ترتيب كار خود را ادامه مي‌دهدتابه هدفش مي رسد، ودر هر كسي با توجه به موقعيت وتناسب حال وشخص مورد نظر، نفوذ مي كند مثلاً بر انسان زاهد از راه زهد نفوذ مي كند، وبريك عالم از راه علم و وبر يك جاهل از طريق جهل وناداني وارد مي شود!

راه هاي نفوذ شيطان در انسان

بحقيقت راههاي نفوذ شيطان زياد هستند كه خلاصه كردن آنها مشكل است، وما تعدادي از اين راهها را بيان مي‌كنيم:

اولاً: يكي از راههاي نفوذ شيطان، ايجادفتنه وآشوب در بين مسلمانان وهمچنين سوء ظن دربين آنان است:

رسول اللهص در حديثي كه مسلم آن را روايت كرده است، مي فرمايد:

«ان ابليس قديئس ان يعبده الصالحون…ولكن يسعي بينهم في التحريش…. »[[2]](#footnote-2)

(بحقيقت شيطان از اينكه بندگان صالح خداوند او را عبادت كنند، نااميدشده است ولي هميشه در تلاش است تا در بين آنان فتنه وآشوب وجنگ وجدل ايجاد كند»

يعني سعي مي كند كه در بين آنان دشمني، كينه، فتنه وآشوب ايجاد كندو بدين ترتيب با همديگر مشغول شوند، ودر روايتي ديگر آمده است كه رسول اللهص فرموده اند: «انه قديئس الشيطان ان يعبدوه الصالحون في جزيره العرب »

(درحقيقت شيطان از اينكه بندگان صالح خداوند در جزيره العرب(شبه جزيره عربستان) او را عبادت كنند، نا اميد شده است.

سوء ظن معمولا از وسوسه هاي شيطان است، ودر حديثي كه ام المومنين صفيه دختر حييل روايت كرده است، مي گويد: «كان الرسولص معتكفا - اي في المسجد- فاتيته ازوره ليلا وحدثته، ثم قمت لأنقلب، اي لأرجع الي بيتي فقام معي ليقلبني -اي يوافقني - فمر رجلان من الانصار-رضي الله عنهما. فلما رايا النبيص اسرعا فقالص : وعلي رسلكما انها صفيه بنت حيي» فقالا:سبحان الله يا رسول الله… فقال رسول الله ص: ان الشيطان يجري من ابن آدم مجري الدم، واني خفت ان يقذف في قلوبكما شرا، اوقال شيئا. [[3]](#footnote-3)1 حديث متفق عليه

رسول اللهص در مسجد اعتكاف كرده بود، من هم شبانه براي ديدن او رفتم وبا او در رابطه با آنچه كه لازم بود صحبت كردم، سپس خواستم كه به خانه برگردم، رسول اللهصنيز همراه من آمد، دو مرد از انصار از كنار ما گذشتند، زمانيكه رسول اللهصرا ديدند، با عجله تر رفتند. رسول اللهصفرمود:صبركنيد عجله نكنيد، همانا اين زني كه با من است، ام المومنين-صفيه دختر حيي است. »

آن دو مرد گفتند:پاك ومنزه است الله اي رسول خدا-سبحان اللهصيا رسول الله (يعني پناه مي بريم به خداي پاك ومنزه از اينكه در مورد شما فكربد بكنيم)سپس رسول اللهص فرمودند: «همانا شيطان مانند خون در بدن انسان جاري است (يعني هر لحظه مانند خون كه در بدن جاري است وسوسه هاي شيطاني نيز در فكر وخاطر انسان نفوذ مي كند) ترسيدم كه مبادا فكر بدي يا چيزي رادر دل شما بياندازد. هرگاه مردي با زني در شب رفت وآمد كند، مي‌تواند زمينه شك وترديد، وسوء ظن براي ديگران فراهم كند به همين دليل رسول اللهص خواست كه اين زمينه را از بين ببرد لذا مي فرمايد:«علي رسلكما، انها صفيه» عجله نكنيد، همانا اين زني كه همراه من است، صفيه است»… با توجه به اين مساله مي توان نتيجه گرفت كه:

برهركسي واجب است كه هر گاه در مجال اتهام وسوء ظن قرار گرفت، حقيقت موضوع را براي كسي كه تو را در آن موقعيت مي بيند، توضيح دهي تا واقعيت رابشنودوجاي هيچ گونه شك و ترديد وسوء ظني باقي نماند. پس ايجاد سوء ظن در مورد ديگران يكي از راههاي نفوذ شيطان است واگر دراين رابطه توانايي مقابله با وسوسه هاي شيطان را نداشته باشي كاري مي كند كه هميشه جنبه منفي قضيه اي را كه مي بيني يا مي شنوي، در نظر بگيري. همچنين كار ديگر شيطان اين است كه در بين مردم، فتنه وآشوب ايجاد مي كند، با توجه به حديثي كه مسعود بن صرد از رسول اللهص روايت كرده است، سليمان مي گويد:همراه پيامبرص نشسته بودم دومرد به هم ناسزا مي گفتند، چهره يكي از آن دونفر در اثر شدت ناراحتي وعصبانيت سرخ شده بود، نبي اكرمص فرمود:«اني لأعلم كلمه لوقالها ذهب عنه مايجد لوقال:اعوذبالله من الشيطان الرجيم، ذهب عنه مايجد»[[4]](#footnote-4)1

بحقيقت كلمه يا جمله اي را مي دانيم كه اگر آن جمله را بگويد وضعيت او تغيير پيدا مي كند. اگر بگويد:اعوذبالله من الشيطان الرجيم، (پناه مي برم به خدا، از شرشيطان رانده شده)وضعيت او تغيير پيدا مي كند»

ثانياً:يكي ديگر از راههاي نفوذ شيطان آرايش وزيبا جلوه دادن بدعت براي انسان است:

شيطان همواره در تلاش است تا بدعت را براي انسان زيبا وخوب جلوه دهد، مثلاً به او مي گويد: مردم در اين برهه از زمان، دين را ترك كرده اند، وواقعاً دعوت وبرگرداندن آنان به دين مشكل است . پس اميدوارم با اضافه كردن به بعضي از عبادتهايي كه ما انجام مي دهيم. مردم به سوي دين ودينداري برگردند، يا به روش ديگري به عبادتي كه از طريق سنت رسول اكرمص ثابت شده است، اضافه مي‌كنندمثلاُ شيطان بدين طريق عمل كرده ومي گويد: زياد كردن بركارهاي خير، خوب است، پس به مقدار وحد وحدود آن اضافه كن، وآن را به شكل عبادت جلوه مي‌دهد، و در نتجه آنرا به عنوان عبادت جديدي معرفي مي كند.

يا بعضي ها مي گويند:«مردم از دين، دور شده اند، شايد ما با آوردن وساختن بعضي احاديث آنان را بترسانيم وبه دين برگردانيم. . »

لذا احاديثي را اختراع مي كنند و آن را به پيامبرص نسبت مي دهند ومي گويند:مادروغ مي گوييم ولي به رسول اللهص دروغ نسبت نمي دهيم بلكه به خاطر او دروغ مي‌گوييم!! حديثي را وضع مي كنند، اختراع مي كنند تا بوسيله آن مردم را از آتش جهنم بترسانند!! از يك طرف آتش جهنم را بطور غريب وترسناكي براي مردم جلوه سازي كرده واز طرف ديگر بهشت را عجيب وغريب فرض مي‌كنند!در حاليكه ما مي دانيم كه عبادات توقيفي هستند، يعني همانطوريكه از طرف رسولص آمده اند يا آنگونه كه از جانب خداوند سبحانه وتعالي به سوي رسول اللهص آمده اند، قبول كرده ومي پذيريم، لذا ما نمي توانيم از آنها كم ويا زياد كنيم، وآنطور كه دوست داريم آنها را تغيير دهيم، در غير اينصورت اگر تغيير وتحولي، در آنها صورت بگيرد، بدعت و از كارهاي شيطان است!

ثالثا: رسيدگي كامل به يك چيز وعدم رسيدگي وكوتاهي در موارد ديگر قضايا:

1-ارتباط با فرد:

فردي مثلا مرتكب گناهان ونافرمانيهاي زيادي مي‌شود و در عين حال نماز مي خواند و معترف است به اينكه نماز ستون دين است، واولين عمل از اعمال انسان كه در روز قيامت از آن سوال مي شود، نماز است لذا معتقد است كه مرتكب شدن به بعضي گناهان لطمه اي به او وارد نمي‌سازد!! در اين حالت نماز را طوري براي خود تعريف مي‌كند كه بزرگترين عبادت است تا بدين ترتيب كوتاهي خود را درمورد ساير عبادات ديگر توجيه كند وبا اين كار مي خواهد نمازرا وسيله اي براي پوشاندن ودر حقيقت مخفي كردن كوتاهي ها وارتكاب معاصي وگناهان خود قراردهد. درست است كه نماز، اساس دين است، ولي كل دين نيست، با اين روش وطرزفكر، شيطان پرده بركوتاهي وسستي هاي او مي كشد، در بعضي موارد، شيطان به اين طريق در شخص نفوذ پيدا مي كندكه آن شخص مي گويد: (الدين المعامله)… دين يعني ارتباط وبرخورد درست با مردم ومهمترين چيز آن است كه با مردم خوب باشي، رفتار درست داشته باشي، به آنان دروغ نگويي، وآنان را فريب ندهي، اگر چه نماز هم نخواني؛زيرا رسول اكرمص مي‌فرمايد:«الدين المعامله»

(دين يعني ارتباط وبرخورد درست با مردم)

ويا شخص ديگري مي گويد :مهمترين چيز، نيت پاك است!من هيچ وقت، حسد، كينه ودشمني نسبت به مردم در دل ندارم در حاليكه هيچگونه عمل صالحي هم انجام نمي‌دهد، فقط به اين مورد كه همان نيت پاك است، اكتفاء مي كند!از موارد ديگري كه بعضي از مردم به آن معتقدند، اين است كه تدريس وخواندن قرآن به زيبايي ودرست ادا كردن حروف ومخارج آن را بر هر كار ديگري ترجيح مي دهند…. بسياري از كارهاي مهم ديگر را ترك كرده وانجام نمي دهند:زيرااو اين اعتقاد را در ذهن خود جاي داده است كه خواندن صحيح قرآن به روش مذكور از هر كارومسئله اي مهمتر است، وبدون شك، صحيح قرائت كردن قرآن تنها قضيه مهم وموجود در اسلام نيست واينكه به آن هيچ گونه اهميتي هم ندهيم، اشتباه است، ولي از مسائل مهم اين است كه صحيح خواندن قرآن همراه با لحن وتجويد را در مقابل ساير اعمال مهم ديگر در اسلام قرار داد. وآن را وسيله اي براي كوتاهي وچشم پوشي از مهمات ديگر دين قرار ندهيم.

2-ارتباط با اجتماع

درمساله رسيدگي واكتفا كردن به يك قضيه وكوتاهي يا انجام ندادن ساير موارد مهم ديگر قضيه را به شكلي در سطح اجتماع نيز مي توان مشاهده كرد. به عنوان مثال يك نوع گرايش فكري وجريان حركتي كه در سطح جامعه وجود دارد، معتقد است كه مهمترين چيزي كه بايدبدانيم، وقايع واتفاقات در بين مسلمانان ودشمنان آنان است يا به عبارت ديگر، مهمترين چيز مسائل سياسي است، زيرا ما الآن درعصري سياسي زندگي مي‌كنيم، و زمان، زمان دراويش وتكيه خانه و…نيست . وكساني كه معتقد به اين نوع گرايش فكري وجريان حركتي هستند، در رابطه با كمونيسم، لائيك، فراماسونري(اصول برادري فراموسونها)، وبهائي، قادياني …. آگاهيهاي زيادي دارند، اما اگر در مورد اسلام از آنان سوال بكني، هيچگونه اطلاع وآگاهي ندارند؟!

عكس گرايش فكري بالا، گروهي هستندكه قضيه عبادات را نسبت به مسائل ديگر برتري داده وفقط به آن مي‌پردازندومعتقدندكه مهمترين چيز ارتباط تو با الله است. و از مهمترين آنها، نماز بوده واينكه تو، زاهد، پارسا، متقي، باشي وتمامي مسائل ديگر را به عبارتي قرباني وفداي مسائل عبادي بكني.

وجماعتي ديگر كه الآن در دنياي اسلام وجود دارند، معتقدندكه مهمترين چيز، اتحاد وهمبستگي است، خداوند تبارك وتعالي مي فرمايد:

ﮋ ﭱ ﭲ ﭳ ﭴ ﭵ ﭶﭷ ﮊ آل عمران: ١٠٣

] وهمگي به ريسمان(ناگسستني قرآن)خدا چنگ زنيد[

واين موضوع را از مهمترين مسائل حتي از مسائل عقيدتي هم مهمتر مي دانند!حتي با كساني كه عقايدشان با عقايد مامتفاوت است، صحبت كرده وارتباط برقرار مي‌كنند…مدعي اين هستند كه مهمترين كار اين است كه هرگاه دشمنان ما برما يورش آوردند، با هم متحد ويك دست باشيم. درحاليكه اعتقاد صحيح آن است كه دردفاع از اعتقاد ودين با هم متحد ويك دست باشيم نه اينكه علاوه براختلاف وعقائد با هم، در ايجاد بي نظمي وآشفتگي متّحد باشيم.

بنابراين بايد حد توازن وبرابري را دررابطه با اين مسائل وقضايا ايجاد در نظر بگیریم زيرا همانطور كه گفتيم يكي از راههاي نفوذ شيطان در انسان رسيدگي وپرداختن به يك طرف قضيه وكوتاهي در انجام جنبه هاي ديگر قضايا مي باشد؟!

رابعاً:تاخير، دست به دست كردن، امروز وفرداكردن، به عقب انداختن:

از راههاي ديگر نفوذشيطان، دست به دست كردن وبه عقب انداختن، بلندپروازي، وآنچه را كه بعضي از مردم به اسم «العائق الكبير»مانع بزرگ يا سدراه بزرگ، مي نامند، است.

بعضي از مردم هر نوع از مسئله اي را كه براي آنان پيش مي آيدبه عنوان سد ومانع، قلمداد مي كنندمثلاً مي‌گويد: هرگاه از تحصيل فارغ شدم -ان شاء الله-توبه مي‌كنم!! واين همان مانع وسدّ تحصيل است. يعني تحصيل را به عنوان سدّ ومانعي در مقابل توبه كردن قرار داده است:از تحصيل فارغ شوديا مي گويد: هرگاه وظيفه خود را كامل نمودم، توبه خواهم نمود، درحاليكه وظيفه خود را تكميل مي كند ولي توبه هم نمي كند. به همين ترتيب ادامه مي‌دهديا مي گويد: هرگاه به حج رفتنم وبرگشتم، يا اگر ازدواج كردم ويا اگر… ويا اگر…هميشه در مقابل خود مانع وسدّ ايجاد مي كند، دست به دست مي كند، به تاخير مي‌اندازد، وهمراه با آرزوهاي دست نيافتني يا بلند پروازي زندگي مي كند، همينطور به زندگي خود ادامه مي دهد تا مي ميرد وزندگي واقعي وحقيقي خود را شروع نمي‌كند. هدف نهايي كه شيطان از تو مي خواهدآن است كه تو را از عمل بازداردويا آن را به تاخير بيندازي، دست به دست بكني، واين يكي از راههاي بسيارخطرناك، براي نفوذ شيطان درانسانهاي صالح است.

شيطان تو را وسوسه مي كند وبه تو مي گويد:…. . تو تا حالا توانايي اين را نداشته اي كه مردم را تعليم دهي يا آنان را به راه راست دعوت كني…. صبر كن تا خود يادبگيري وما خود مأموريم كه تبليغ كنيم ومردم را به دين خدا دعوت دهيم، هرگاه چيزي يادگرفتي آن را به مردم ياد بده اگر چه يك آيه از آيات قرآن باشد. يعني همين طور تو را دست به دست مي كند تا كار مورد نظر را به تاخير بيندازد.

ابن الجوزي در كتاب خود بنام(تلبيس ابليس)مي گويد:

بسياري از افراد هستند كه خيلي جدي وقاطع مي خواهند كاري را انجام دهند، ولي شيطان او را دست به دست كرده وكار او را به تأخير مي اندازد. او را وادار مي كند كه بگويد:سوف، يعني انجام خواهم داد يا خواهم رفت، يا خواهم…. وافراد زيادي هستند كه سعي مي كنند كار خوب انجام دهند ولي شيطان او را ازآن كار باز مي دارد يا او را به تاخيركردن درآن كار وادار مي كند، وگاهي فقيه يا متعلم با طلبه تصميم مي گيرد كه درس خوانده شد را تكرار كند، مثلاً ولي به او مي گويد: مدتي استراحت كن بعداً مطالعه كن. مثلاً، شيطان عادتاً تنبلي را دوست دارد، و دوست دارد كه انجام دادن كار را به تاخير بيندازد، وچه بسا شيطان برعابدي كه درشب نماز مي‌خواندنفوذ كرده و او را وسوسه مي كند وبه او مي‌گويد: شب دراز است تا صبح وقت داري واو را به همين ترتيب وسوسه مي كند و نمي گذارد كه نمازش را بخواند!!

خامساً: از راههاي ديگر نفوذ شيطان، ايجاد احساس كمال وكامل بودن دروغي وجعلي وكاذب در انسان است :

مثلاً شيطان اين احساس را در درون انسان ايجاد مي كند كه او كامل است وهيچ عيب ونقصي در اونيست. به او مي‌گويد: تواز هركس ديگري غير از خود بهتر و برتر هستي، تونماز مي خوانيد درحاليكه بسياري از افراد هستند كه نماز نمي خوانند، توروزه مي گيري درحالي كه خيلي از افراد هستند كه روزه نمي گيرند، تورا وادار مي كند وتو را در موقعيتي قرار مي دهدكه خود را با كساني كه نسبت به تو در انجام دادن اعمال صالح مثل نماز، روزه و… كوتاهي مي كنند، مقايسه كني. وايجاد اين نوع احساس وطرز فكر از طرف شيطان فقط بخاطر اين است كه تو را از انجام عمل صالح بيشتر وبهتر باز دارد. ولي اگر در اين رابطه به وسوسه هاي شيطان جواب ندهي، هيچوقت خود را بهتر وبرتر از ديگران نمي بيني بلكه مداوم سعي مي كني كه اعمال صالح خود را بيشتر وبهتر جلو دهي.

مثلاً شيطان مي گويد: عمل تو در روز قيامت براي توشفاعت خواهد كرد. سپس فرد را به انجام اعمال مباح مشغول وسرگرم مي كند و از انجام اعمال صالح باز مي‌دارد. مي گويد:كمي استراحت كن- زياد خودت را خسته نكن. توالآن مشغول هستي، مي داني كه از ديگران بهتر هستي …. وبه همين ترتيب كاري مي كند كه در ارتباط با انجام عمال صالح، سستي وتنبلي در او ايجاد كند و براي انجام آنها تلاش وكوشش نكند. ولي آنچه كه مورد نظر ومطلوب ما است اين كه خود را با كسي مقايسه كني كه هميشه روزهاي دوشنبه وپنجشنبه روزه مي گيرد، درحاليكه تو اين سنت را رعايت نمي كني، به فلاني نگاه كن وخود را با او مقايسه كن كه تمامي سنت ها را انجام مي‌دهدوتوآنها را انجام نمي دهي. اين نوع مقايسه كردن مطلوب ومورد نظر است.

سادساً: عدم تشخيص وارزيابي دقيق ودرست، نسبت به خود واستعدادهاي دروني:

شيطان براي نفوذ در نوع نگرش انسان به خود، دو روش يا طريقه را به مرحله اجرا درمي آورد:

1-نگرش غرور، خودپسندي، خودبيني وتكبّر:

بدين معني: كه شيطان، انسان را طوري وسوسه مي كند كه هميشه با ديد، خودبيني وخودپسندي، به خود نگاه كند، لذا با اين روش، انسان را دچارغرور وتكبّر مي كند، به او مي‌گويد:,تو اين كار را انجام مي دهي آن كار را انجام مي‌دهي، به خودت نگاه كن، ببين كه چه كارها كرده اي، در نتيجه اين وسوسه ها، انسان تغيير پيدا كرده وتكبرمي‌كندواحساس غرور به او دست مي دهد، ديگران را تحقير و كوچك مي شمارد، حق را انكار مي كند واگر اشتباهي از طرف او رخ دهد، از اينكه توبه كند و از كار خود پشيمان شود، خودداري مي كند، واينكه درمجلس درس كس ديگري بنشيند وعلم ياد بگيرد، خودداري مي‌كند. دربعضي از جلسه هاي تعليم ديده اي. زمانيكه بعضي افراد، در هنگام قرائت قرآن كريم دچار اشتباه مي‌شوند، بايد تا زمانيكه اشتباهات خود را اصلاح مي‌نمايند، دراين نوع جلسات حضور داشته باشند، درحاليكه بخاطر قرارگرفتن درچنين موقعيت سختي در مقابل مردم، چون دوست ندارند كه جلوي مردم به اصطلاح شرمنده، وخجالت شوند و از آنان اعتراض بشنوند، از آمدن به اين نوع جلسات و حلقه هاي درسي خودداري مي‌كنند و درطول حيات، اشتباهات خود را اصلاح نمي‌نمايد و اگر كمي فكر كند، مي داند كه همان كسي كه امروز قرآن را درست وصحيح مي خواند، زماني مثل او ناتوان در قرائت قرآن بوده است، ولي با مرور زمان ياد گرفته است، واگر چنين صفتي ويا طرز فكري در اين نوع افراد باشد، تمام زندگی خود را صرف ياد گرفتن مي كند…

شاعر مي گويد:

فمهما تكن عند امرى من خليقه \*\*\* وان خالها تخفى على الناس تعلم

انسان هرگونه اخلاق ورفتار بدي داشته باشد اگر فكركند كه مي تواند آن را از مردم مخفي كند، در نهايت مردم آن را مي دانند، به همين ترتيب بر هر انساني واجب است كه تلاش كندوخود را طوري يادبدهد، كه عادات وصفات نادرست وناشايست را بجاي اينكه از مردم مخفي بدارد، آنها رااصلاح كرده و از خود دور كند.

2-نگرش، تواضع، پستي وخود كم بيني، خود را كوچك شمردن:

در اين روش، شيطان به تو مي گويد: بايد متواضع باشي، هر كسي كه بخاطر خدا تواضع وفروتني كند، خداوند، منزلت وشخصيت او را بالا مي برد، تو براي انجام اين كارها توانايي واستعداد كافي نداري ونمي تواني آنها را انجام دهي، پس خودت را دخالت نده، اين كارها مخصوص افراد برجسته وشخصيتهاي ممتاز وطراز اول است.

هدف اين است كه شيطان تو را از هدف اصلي رسالت خويش، دور كند، لذا از طريق تواضع وارد مي شود و تو را وسوسه مي كند، باعث مي شود كه توخود را تا حدي، كوچك وناتوان احساس كني كه نتواني از استعدادها و توانائيهايي كه داري، نهايت استفاده را بكني، همگي ما در مقابل، توانايي ها واستعدادهاي او، مسئول هستيم، بايد ازآنها استفاده كند، واگر آنها را بكار نگيرد، و در روز قيامت در مقابل اين نعمتهايي كه به او داده شده، از او سوال وجواب مي شوداين كار، نشانه تواضع نيست، بلكه نشان دهنده، فرار كردن از مسئوليتها وفراركردن از واجبات است. ولي شيطان به او مي گويد:

ميدان را براي كسي كه از تو بهتر است، ترك كن، يعني فرصت را به كسي كه از تو بهتر وبرتر است، بده دعوت به دين، عملي شريف ومبارك است، واين كار مردان برجسته وشخصيتهاي ممتاز، و استثنايي وانگشت شمار است. وشيطان طوري او را وسوسه مي كند ودر او ايجاد فكر مي كند، كه آن فكر ووسوسه فرد مورد نظر را در انجام ندادن اين كار، مساعدت وياري ميكنند، در نتيجه، انسان در اداء رسالت خود دچار اشتباه وخطا ميشود واين اشتباه وخطا كه همان پنهان كردن استعدادهاي ذاتي و تواناييهاي دروني و همچنين دور شدن او از انجام رسالت انساني خود كه همان هدايت عموم مردم در حد توانايي خود اوست، باعث مي شودكه اين نوع اشتباه وخطا را در بين عموم مردم تعميم وگسترش دهد، واين نهايت كار شيطان واز راههاي نفوذ او در بين انسانهاست.

بعضي وقتها شيطان، انسان را وادار مي كند، كه خود را ضعيف بشمارد، خود كم بين باشد، از عقل ودرك وفهم خود استفاده نكند، واو را در موقعيتي قرار مي دهد، كه اصلاً فكر نكند، از خود سوال كند. من كجا واين شيخ كجا؟ من كجا واين عالم كجا؟ عقل خود را كنار گذاشته و اصلا فكر نمي كند، مگر آنچه را كه شيخ يا استاداو به او تزريق مي كند، وهرآنچه را كه استاد او يا شيخ به او مي گويدبه مرحله اجرا درمي آورد وفكر مي كند كه حق آن است كه شيخ او مي گويدوهرآنچه غير از او باشد، نادرست واشتباه است، واز همين جا، قضيه بزرگداشت مردان ويا تقديس وپرستش آنان يا انسان پرستي بوجود مي آيد. راه درست آن است كه ما به قانون الهي وسنت رسول اكرمص مراجعه كنيم وكسي كه در مقابل تو قرارداردويا توآن را شيخ واستاد خود مي داني و هر آنچه را كه او ميگويد، اجرا مي‌كني ودرك وفهم خود را كاملا كنار گذاشته و از شيوه و روش وطريقه او پيروي مي كني، امكان دارد كه اشتباه كند و حتماً هم دچار اشتباه مي شود، لذا درست آن است كه احكام بشري به نسبت احكام الهي (قرآن) وسخنان رسول اكرمص مقايسه شوند، هرآنچه را كه موافق ومطابق با احكام الهي (قرآن) وسخنان گهربار رسول اكرمص يعني احاديث صحيح آن بزرگوار است، قبول كرده و بپذيريم، وآنچه را كه موافق اين دو نيست، دور بيندازيم.

سابعاً: يكي ديگر از راههاي نفوذ شيطان، ايجاد شك وترديد، دودلي وبدگماني است:

ايجاد شك وترديد وبدگماني يكي از راههاي خطرناكي است كه شيطان بوسيله آن در انسان نفوذ پيدا كرده وبراو غلبه مي كند…واين كار چگونه اتفاق مي افتد؟

شيطان –مثلاً-درارتباط با صحت ودرستي روش تربيتي كه فردي، صادق، پايبند به اطاعت از اوامر الله -جل جلاله- به دور از كارهاي ناشايست، درآن مسير حركت مي كند، در رابطه با صحت ودرستي روش مورد نظر او را به شك وترديدمي اندازد، مخصوصاً زمانيكه اين شخص در برابر تعداد زيادي افراد گناهكار، افرادي كه پايبند به اطاعت از اوامر الله تعالي نمي باشند، قرار مي گيرد، شيطان او را به اينطريق دچار وسوسه مي كند كه: هل كل هولا الناس في النار وانت في الجنه؟! آيا تمامي اين مردم جهنمي هستند وفقط تو اهل بهشت هستي؟!

طريقه برخورد درست وفكر صحيح آن است كه هيچگاه زيادي گروهي ويا كمي جماعتي را مقياس سنجش وصحت ونادرستي قرار ندهي …. حق آن است كه موافق كلام الله - جل جلاله- (قرآن) ومطابق كلام رسول الله ص باشد.

مقياس وميزان سنجش جماعت، اكثريت مردم نيست، ولي منظور از جماعت كسي يا كساني هستندكه موافق با حق باشندومطابق با حق رفتار كنند، اگرچه تو تنها باشي …خداوند تبارك وتعالي به رسول خودص مي‌فرمايد: ﮋ ﰇ ﰈ ﰉ ﰊ ﰋ ﰌ ﰍ ﮊ يوسف: ١٠٣] بيشتر مردم (به سبب تصميم بر كفر وپيروي از هوي وهوس، به تو)ايمان نمي آورند، هرچند كه تلاش كني. [

يكي از تابعين بنام، نعيم پسر حمار مي گويد:همانا جماعت آن كسي است كه موافق با اطاعت خداوند باشد و هرگاه جماعت فاسد شد، بر تو واجب است كه از آنچه كه جماعت قبل از فاسد شدن از آن اطاعت مي‌كرد، اطاعت كني، اگر چه تنها باشي دراين حالت تو، جماعت هستي….

يكي از راههاي نفوذ شيطان در رابطه با شك وترديد، در زمينه نيت دروني شخص است؛يعني شخص را وسوسه مي‌كند كه در صداقت نيّت دروني خود نسبت به انجام كاري يا عملي شك وترديد و دودلي كند، به انسان مي‌گويد:توريا كار هستي، بخاطر ريا اين عمل را انجام مي‌دهي، تومنافق هستي؛ اين كار را بخاطر مردم انجام مي دهي نه بخاطر خداوند تبارك وتعالي- تمامي اين شك وترديدها، بخاطر اين است كه فرد، عمل مورد نظر را ترك كند وآن را انجام ندهد. از مثالهاي ديگري كه در اين رابطه مي توان به آن اشاره كرد. شخصي است كه مي‌خواهد صدقه بدهد، وديگري او را درحين انجام آن كار مي‌بيند، با خود مي گويد: هرگاه من را ببينيد، فكر مي كندكه من ريا كار هستم و بخاطراو اين كار را مي كنم؛ بهترآن است كه اين صدقه را ندهم!! در حاليكه ما موظفيم در ارتباط با قضيه نيت به درون خودمان مراجعه كنيم، كه آيا اين كار را به خاطر رضايت الله انجام مي دهيم يا بخاطر رضايت غيرالله. اگر بخاطر رضايت الله است بهتر است آن عمل را انجام بدهيم هر چند كه مثلاً‌شخصي يا كس ديگري ما را ببيند، واگر بخاطر رضايت غيرالله است، بايد نيت دروني خود را اصلاح نماييم. ابراهيم پسرادهم يكي از تابعين است، كه مي گويد: سي نفر از اصحاب وياران رسول اللهص را ديده ام، جملگي آنان از اينكه مبادا كاري را بخاطر رضايت غيرالله انجام دهند، از خود مي‌ترسيدند، نگران بودند. بحقيقت مراجعه به درون ونيت دروني خود را در نظر گرفتن؛ كاري بس مطلوب وخوب است، ولي مراجعه آن نيست كه تو را از عمل كردن، باز دارد، بلكه مراجعه آن است كه باعث شود تو كارها را به خاطر رضايت الله –جل جلاله- انجام دهي وهرلحظه به انجام آن كارها اضافه كني. حادث بن قيس مي گويد: هر گاه در حال نماز خواندن، شيطان تو را وسوسه كرد، به او بگو: رياكار تو هستي؛ ونمازت را طولاني تر بخوان.

ثامناً: ترساندن، يكي از ديگر از راههاي نفوذ شيطان در انسان است :

شيطان براي ترساندن انسان به دو روش عمل مي كند:

1-ترساندن از ياران شيطان:

شيطان، انسان را از لشكر ودوستان گناهكار وفاسق خود، مي‌ترساند. مي گويد:مواظب آنها باشيد، آنها داراي نيروي قوي وسنگين هستند، لذا از ترس شيطان ولشكرووابسته هاي او، اطاعت از خداوند و رسول او را ترك كرده وبه اوامر ودستورات الهي ورسول اكرمص عمل نمي كند!!

خداوند-سبحانه وتعالي-مي فرمايد:

ﮋ ﭢ ﭣ ﭤ ﭥ ﭦ ﭧ ﭨ ﭩ ﭪ ﭫ ﭬ ﭭ ﮊ آل عمران: ١٧٥] اين تنها شيطان است كه شما را از دوستان خود مي‌ترساند، پس( از آنجا كه شما به خدا ايمان داريد، بيباك ودلير باشيد) و از آنان مترسيد و از من بترسيد اگر مومنان(راستين)هستيد. [

2-ترساندن از فقر وتنگدستي:

خداند-تبارك وتعالي- مي فرمايد:

ﮋ ﯔ ﯕ ﯖ ﯗ ﯘﯙ ﮊ البقرة: ٢٦٨] شيطان شما را(به هنگام انفاق ميترساند) و وعده تهيدستي وتنگدستي به شما مي دهد و به انجام گناه شما را دستور مي‌دهد[

به انسان مي گويد: اگر اين كار يا شغل را ترك كني، كجاشغل ديگر پيدا مي كني؟ فقيروتنگدست خواهي شد؛ لذا او را از فقر مي ترساند، و او را مرتكب انجام كار حرام مي كند…. و اين مثل كسي است كه معامله شراب را حلال مي داند درحاليكه خود مسلمان است؛ وشيطان از طرف ديگر به اين كار او مي خندد چرا كه الله –سبحانه وتعالي-مي فرمايد:

ﮋ ﮚ ﮛ ﮜ ﮝ ﮞ ﮟ ﮠ ﮡ ﮢ ﮣ ﮤ ﮥﮦ ﮊ الطلاق: ٢ - ٣] وهر كس از خدا بترسدوپرهيزكاري كند، خدا راه نجات(از هر تنگنايي) را براي او فراهم ميسازد…. وبه او از جايي كه تصورش نمي كند، روزي مي رساند…. . [

مي بينيم كسي كه ربا مي گيرد، از فقر وتنگدستي مي‌ترسد، مي گويد:چگونه زندگي كنم؟مردم همه ثروتمند شده اند و من فقير هستم !! چه بسا شيطان، باطل را براي اصحاب دعوت مي آرايد، در نتيجه حرامي را حلال مي كنند وبه بهانه اينكه يكي از مصلحتهاي موجود در كار دعوت آن است كه دروغ بگويي!! به همين خاطر شيطان باطل و ناحق را براي آنان مي آرايد، به طوري كه آن را حق ودوست وانمود مي كند با اين تاويل كه مصلحت ايجاب مي كند كه اينگونه برخورد نموده.

وگاهي مي بينيم كه بعضي از مسلمانان وكساني كه كار دعوت را انجام مي دهند، بعضي از آنان، بعضي ديگر را مي‌رنجانند و ناراحت كرده و به آنان ظلم مي كنند، اين يكي ديگري را غيبت مي كند، وبا او بگونه اي ناشايست وبدرفتار مي كندكه حتي با يك انسان كافر، فاسق يا فاجراينگونه رفتار نمي نمايد!!

عواملي كه شيطان را در اداي وظيفه خود مساعدت و ياري مي نمايد.

1-جهل وناداني:

گمراه كردن انسان عالم وآگاه از هزارعابد ناآگاه، براي شيطان سخت ومشكل تر است.

2-تبعيت از هوي وهوس:

ضعف اخلاص وضعف ديني از جمله عواملي هستندكه شيطان را در اداء وظيفه خود، مساعدت وياري مي‌نمايند. همانطوركه خداوند تبارك وتعالي مي فرمايد:

ﮋ ﰖ ﰗ ﰘ ﰙ ﰚ ﰛ ﰜ ﰝ ﰞ ﰟ ﮊ ص: ٨٢ - ٨٣] گفت:به عزت وعظمتت سوگندكه(درپرتو عمر جاويدان وتلاش بي امان)همه آنان را گمراه خواهم كرد…. مگر بندگان مخلص تر از ايشان را(كه برآنان سلطه وقدرتي نداشته ووسوسه ام ايشان را نمي گيرد…. [

3-غفلت وناآگاهي از راههاي نفوذ شيطان در انسان

راه هاي چاره وعلاج:

ابتدا بايد اسباب ومسببات اين عوامل را شناخت، وپس هرگاه سببها را بشناسيم، علاج وراه چاره اسباب را نيز خواهيم شناخت كه عبارتند از:

1-ايمان به خداوند تبارك وتعالي:

بايد به خداوند ايمان داشته باشيم ودر كارهايمان تنها بر او توكل واعتماد كنيم . خداوند تبارك وتعالي مي فرمايد:

ﮋ ﮦ ﮧ ﮨ ﮩ ﮪ ﮫ ﮬ ﮭ ﮮ ﮯ ﮰ ﮊ النحل:

٩٩] بيگمان شيطان هيچگونه تسلطي بركساني ندارد كه ايمان دارند وبرپروردگارشان تكيه مي نمايند…. [

2-كسب علم شرعي از طريق كتابهاي مرجع صحيح اصلي

3-اخلاص دردين:

ﮋ ﮏ ﮐ ﮑ ﮒ ﮓ ﮊ الحجر: ٤٠] مگر بندگان گزيده وپاكيزه تو از ايشان، (كه چون دلهايشان به ياد تو آباداست، تلاش من درحق آنان برباداست…. [

حضرت عمربن خطاب مي گويد: «نفس خود را مورد محاسبه قراردهيدپيش ازآنكه تحت محاسبه قرار گيريدواعمال خود را در ترازو قرار دهيد (اعمال خوب وبد خود را بسنجيد)قبل از اينكه آنها را براي شما وزن كنندبه حقيقت اگر امروزنفس خود را مورد محاسبه قرار دهيد براي شما به نسبت محاسبه روز قيامت راحتترو آسانتر است»

امام حسن مي گويد:«هيچ مسلماني را نمي بيني مگر اينكه نفس خود را محاسبه مي كند، كه چه كاري انجام دهد؟ چه چيزي را بخورد؟ و چه چيزي را بنوشد؟اما فاجر وگناهكار، بدون ترس از عذاب خداوند سبحانه وتعالي به انجام اعمال بد خود مي‌پردازد، ونفس خود را مورد محاسبه وسوال وجواب قرار نمي دهد. »

4-يكي ديگر از راههاي علاج، ذكرو ياد الله-سبحانه وتعالي-وپناه بردن به او از شر شيطان رانده شده مي باشد.

خداوند تبارك وتعالي مي فرمايد:

ﮋ ﭽ ﭾ ﭿ ﮀ ﮁ ﮂ ﮃﮄ ﮅ ﮆ ﮇ ﮈ ﮊ الأعراف: ٢٠٠] واگر وسوسه اي از شيطان به تو رسيد(وخواست شما را از مسير، منحرف واز هدف باز دارد) به خدا پناه ببر (وخويشتن را بدو بسپار) او شنواي داناست (وهمه چيز را ميشنود وهمه چيز را مي داند و هرچه زودتر به فريادت ميرسد)…. [

همچنين خواندن دوسوره معوذتين(سوره فلق وسوره ناس) كه فضيلت خواندن اين دوسوره نيز در احاديث وارد شده است وسوسه هاي شيطان را از انسان دور مي‌كنند، وهمچنين خواندن، آيه الكرسي نيز انسان را از شر شيطان ووسوسه هاي او محفوظ مي دارد.

وصلى الله على سيدنا محمدوعلى آله وصحبه اجمعين

1. 1. رواه مسلم برقم(2814)في صفات المنافقين ،باب:«تحريش الشيطان وبعثه سرايا لفتنه الناس». [↑](#footnote-ref-1)
2. 1. رواه مسلم(2812) في صفات المنافقين،باب «تحريش الشيطان وبعثه سراياه لفتنه الناس».وفي الترمذي دون لفظ:] …وفي جزيره العرب[ ،رقم(1938)في البروالصله،باب:ماجاء في التباغض. [↑](#footnote-ref-2)
3. 1.رواه البخاري(4/240)في الاعتكاف،باب:«هل يخرج المعتكف لحوائجه الي باب المسجد».ومسلم في السلام برقم (2174-2175). [↑](#footnote-ref-3)
4. 1.رواه البخاري(10/431)في الادب،باب:«الحذرمن الغضب». [↑](#footnote-ref-4)